



تفسیر تطبیقی «وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ» (اعراف: ۱۴۱) با تأکید بر نقد زبان شناختی دیدگاه‌ها

سعید چراغی^۱ ✉ و داود اسماعیلی^۲ id

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اهل البیت (ع)، دانشگاه اصفهان،

اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: saeed.cheraghi@ahl.ui.ac.ir

^۲ استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اهل البیت (ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه:

d.esmaely@theo.ui.ac.ir

چکیده

تعبیر «وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ» از عبارات‌های قرآنی‌ای است که در زبان عربی فاقد پیشینه است و نخستین کاربرد آن در آیه ۱۴۹ سوره اعراف و در جریان بیان بخشی از وقایع زندگی حضرت موسی (ع) - یعنی دعوت وی به کوه طور، عهدشکنی بنی اسرائیل و گوساله‌پرستی آنها - دیده می‌شود. این پژوهش درصدد تحلیل مفهوم این عبارت و بیان چرایی برداشت‌های مختلف از آن است. با وجود آنکه مفسران قرآن به‌طور ضمنی به تحلیل این عبارت پرداخته‌اند، با توجه به شکل‌گیری دیدگاه‌های مختلف ذیل آیه و با عنایت به اینکه یافتن مقصود گوینده و مدار توجه به مباحث زبانی و فرامتنی است، ضرورت دارد این دیدگاه‌ها فراتر از مباحث لغوی، بلاغی، نحوی و به‌ویژه سیاق بررسی و تحلیل شود. برای دستیابی به این هدف، فضای سخن حاکم بر آیات بررسی می‌شود و معانی پشیمانی، ترس، ناتوانی، امر ناگهانی و تعبیری از این دست نقد و بررسی می‌شود. در این پژوهش، با تأمل در قواعد متنی و فرازبانی و تحلیل آنها نشان داده شده است که این آیات با عبارت «وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ» حادثه‌ای مشخص را روایت کرده که موجب تأمل بنی اسرائیل شده و تفسیر آن به پشیمانی، اضطراب و دیگر مفاهیم پذیرفتنی نیست.

کلیدواژه‌گان: سوره اعراف: ۱۴۱، بنی اسرائیل در قرآن، حضرت موسی در قرآن



مقدمه

براساس مستندات و شواهد موجود، عبارت «وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيُّدِيهِمْ» نخستین بار در قرآن به کار رفته و در منابع تاریخی-ادبی عرب قبل از نزول قرآن، کاربردی از این عبارت گزارش نشده است. مفسران قرآن در تفسیر آیات و ادب‌پژوهان در مباحثی مانند مجاز، کنایه و استعاره به تبیین مفاد این عبارت اقدام کرده‌اند. این امر موجب شکل‌گیری دیدگاه‌های مختلف در فهم این عبارت شده که در نگاه نخست، برخی از این برداشت‌ها با سیاق آیه سازگار نیست؛ از این رو دلالت کلی عبارت به‌ویژه در سیاق موجود در خورتأمل است تا از یک‌سو میزان تأثیرگذاری بررسی واژگانی این عبارت و کاربرد حقیقی یا مجازی واژگان آن روشن شود و از سوی جایگاه زبان‌شناسی و معناشناسی - بدون تکیه بر مباحث لغوی، ادبی، بلاغی و سیاقی - در درک مفهوم مشخص گردد. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد تحقیق درباره عبارت «وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيُّدِيهِمْ» با کاربری زبان‌شناسی است. برای نیل به این هدف ابتدا فضای گفتمان حاکم بر آیات و سپس فضای آیه با توجه به سیاق بررسی می‌گردد، سپس با استناد به سیاق و گفتمان حاکم بر آیه، دیدگاه قرآن‌پژوهان و مفسران در برداشت معنای پشیمانی، ترس، ناتوانی، امر ناگهانی و ... نقد گردیده و در ادامه با بهره‌گیری از مبانی و اصول زبان‌شناسی و قواعد بلاغی و حس فرامتن، مفهومی دیگر از این عبارت عرضه می‌گردد.

مفهوم «وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيُّدِيهِمْ» از نگاه مفسران

بیشتر مفسران، مانند مقاتل بن سلیمان، تستری، ابن‌قتیبه، فیض کاشانی، زمخشری و فخررازی عبارت «وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيُّدِيهِمْ» را به معنای پشیمانی دانسته‌اند و حتی افزون بر مفهوم پشیمانی، ناتوان شدن شخص از انجام کار را نیز در مفهوم این عبارت لحاظ نموده‌اند. برخی مانند شیخ طوسی و طبرسی آن را به معنای رویارویی با بلا و خطر و ترس ناشی از آن می‌دانند. برخی همچون طبری و ابن‌عطیه مفهوم ناتوانی و بی‌فایده بودن تلاش را برگزیده‌اند، مانند اسیری که دستان او بسته شده و ناتوان و عاجز از انجام هر اقدامی است. عده‌ای چون قمی مفهوم آن را ناظر به آمدن موسی (ع) می‌دانند و می‌گویند معنای آیه این است که موسی از کوه پایین آمد و «سقط» در اینجا به معنای «پایین آمد» و «به آن‌ها رسید» است.

تحلیل زبان‌شناختی عبارت «وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيُّدِيهِمْ»

شاخصه‌های زبان‌شناسی مانند فضای سخن (فرامتن)، فضای درونی آیه و بررسی گفتمان حاکم بر متن، محور جاننشینی و همنشینی و زاویه دید از جهت ساختار صرفی و شمول معنایی نشان می‌دهد که عبارت «وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيُّدِيهِمْ» را باید ذیل «تفکر» و «تأمل» بررسی کرد و بدین منظور شایسته است که فرآیند داستان را با توجه به آیات متفاوت قرآن در سوره‌های مختلف، که به مقطعی مشابه از داستان موسی (ع) می‌پردازد، دنبال کرد؛ زیرا بسیار مهم است که شرایطی را که قرآن تصویرسازی می‌نماید شناخت تا بتوان به رویکرد هدایتی آن پی‌برد.

با توجه به فضای سخن، فرازهایی تقریباً مشابه از زندگی موسی (ع) و قوم بنی‌اسرائیل در دو سوره اعراف و طه و تصویری از فضای حاکم در آن زمان بررسی می‌شود و از آنجاکه تقدم و تأخر زمانی حوادث در قالب جملات، در دو سوره تفکیک شده، جهت درک بهتر، به طور هم‌زمان آیات دو سوره مورد مذاقه قرار می‌گیرند. در مبحث فضای متن آیه و گفتمان‌کاوی با توجه به آیات دو سوره طه و اعراف، می‌توان دریافت که فضای حاکم و روح آیات رویکرد دعوت به تفکر، اندیشه و عاقبت‌اندیشی است و پشیمانی و ترس مدلول اولیه آیات نیست. ذیل بحث روابط متداعی و شمول معنایی، مفهومی جدید از واژه «سقط»، با توجه به سیاق آیات و بافت جملات، برداشت می‌شود که میدان معنایی این واژه را وسیع‌تر از آنچه پیشینیان می‌پنداشتند نشان می‌دهد و احتمال نگرش تفکر را در عملکرد بنی‌اسرائیل قوی‌تر می‌سازد. این دیدگاه در موضوع روابط جاننشینی و همنشینی باز هم استحکام می‌یابد که نافی برداشت‌های پیشینیان از مفهوم عبارت «وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيُّدِيهِمْ» است.

نتیجه‌گیری

مباحث زبان‌شناسی از جمله فرامتن یکی از قرائن معتبر در فهم و تفسیر آیات قرآن است؛ لذا توجه صرف به مباحث لغوی، صرفی، نحوی و بلاغی موجب مغفول ماندن برخی شواهد و قرائن مؤثر در فهم است. در داستان موسی (ع)، با توجه به حاکم بودن فضای اندیشه در بافت آیه مذکور، حمل آن بر پشیمانی، ترس و مواردی از این قبیل قابل برداشت نیست. قرآن فضای این حادثه را با عبارت «وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيُّدِيهِمْ» بازگو نموده و درصدد بیان این مفهوم است که بنی‌اسرائیل پس از دست یافتن به گوساله سامری و در اختیار گرفتن آن، توانستند گوساله را با دست‌ان خود واری کنند و آنگاه با تأمل و آگاهی از عملکرد خود به اشتباه خویش پی‌برند.

منابع

- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب. (١٤٢٢ ق). المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز. دارالکتب العلمیة. تستری، سهل بن عبد الله. (١٤٢٣ ق). تفسیر التستری. دارالکتب العلمیة.
- زمخشری، محمود بن عمر. (١٤٠٧ ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. دارالکتب العربیة. طباطبائی، سید محمد حسین. (١٣٩٠ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. مؤسسة الأعلمی للمطبوعات. طبرسی، فضل بن حسن. (١٣٧٢). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (١٤١٢ ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. دارالمعرفة. طوسی، محمد بن حسن. (١٤١٧ ق). التبیان فی تفسیر القرآن. دار إحياء التراث العربی.
- فیض کاشانی، محمد. (١٤١٥ ق). تفسیر الصافی. مکتبة الصدر.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (١٤٢٠ ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). دار إحياء التراث العربی.
- قمی، علی بن ابراهیم. (١٣٦٣). تفسیر القمی. دارالکتب.